

# حاج اثر در با بازاده نقطه عطفی در تاریخ ورزش اردبیل

وقتی صبح جمعه 29 بهمن ماه خبر درگذشت مرد بزرگ و فراموش نشدنی ورزش اردبیل را شنیدم ، شوکی بزرگ را تحمل کردم. آخر قرار بود ظهر جمعه برای ادامه درمان به تهران برود. همین چند روز پیش بود که فریدون ترکساری یکی از پیشکسوتان فوتبال و بازیکن تیم پاس اردبیل در دهه 60، تلفنی از اینجانب جویای حال اثر در عمی بود. وقتی به او گفتم که قرار است برای عمل جراحی به تهران بیاید، دیروز پنجشنبه در یک تماس دیگر چگونگی امر را جویا شد تا بتواند از همان لحظه ورود به تهران در خدمت او باشد. تازه می خواستم نزدیکی های ظهر با فریدون تماس داشته باشم که این خبر ما را در دریای غم و اندوه در ارتباط با فقدان عاشقی صادق و بزرگوار غرق کرد.

آخرین مصاحبه با این بزرگوار را دو سال پیش در 27 اسفند ماه 93 در نشریه انجام داده و وقتی عکس زیبایش با تیتراژ "هاچان قیامت توشر، ایندی قیامت توشر" زینت بخش صفحه اول نشریه گردید، تماس های مکرری که دوستداران ورزش برقرار کردند، نشان دادند که آن مرد بزرگوار چقدر در دل ها جای دارد و از چه جایگاهی در بین مردم و ورزشی ها برخوردار می باشد.

بدون اغراق این مرد، جوانی خود و حتی اعضای خانواده اش را فدای فوتبال و ورزش اردبیل کرد. همه کسانی که از دهه 40 با ورزش همراه بوده اند به اثر در عمی به دیده احترام می نگریستند و به مانند پدری مهربان و دلسوز برای او احترام خاصی قائل بودند. او خدمت به جوانان و ورزش را برای خود افتخار می دانست و هر وقت می خواست در مورد ورزش حرف بزند با سن بالای 80 سال به همان شور و تعصب و حرارت جوانی ها حرف می زد.

اثر در عمی در آن مصاحبه با ما گفت " خدمت به ورزش مدال افتخاری بر سینه من است. به هر کوی و برزن و به هر سازمان و اداره ای که قدم بگذارم، امکان ندارد احساس غریبی بکنم چرا که تا از پله یک سازمان و اداره ای بالا بروم جتما ورزشکار پیشکسوتی به استقبالم خواهد آمد و به گرمی پذیرای من خواهد شد. این بزرگ ترین سرمایه برای من پیر مردی است که عمر خود را در ورزش سپری کرده است و این نوع برخوردها بهترین دلیل و مدرک بر این است که هیچوقت از بودن در ورزش احساس پشیمانی ننمایم".

اژدر عمی شناسنامه ورزش اردبیل و از همه مهم تر شناسنامه ورزشگاه تختی اردبیل بود. او اولین کسی بود که بعد از تملک زمین ورزشگاه تختی در آن مشغول به کار شد.

اژدر عمی نعمتی برای ورزش اردبیل بود. او تا آن زمانی که به افتخار بازنشستگی نائل آمد لحظه ای از خدمت به ورزش و فوتبال کوتاهی نکرد. کری های جالب و به یادماندنی وی با برخی از بزرگان تماشاگران فوتبال در دهه 60 هنوز هم در محافل فوتبالی ورد زبان است. او تا آخرین لحظات عمر همچنان یاد پاس اردبیل را گرامی می داشت و به آن تیم عشق می ورزید. پاس را چون فرزندان خود دوست داشت و آن تیم و بازیکنان و یاد آن را جزئی از زندگی خود به حساب می آورد.

اژدر عمی برای ورزش اردبیل تکرار نشدنی است. او در سال های اوج ورزش برای پرورش استعدادها از جان مایه می گذاشت. زمانی که ورزش اردبیل روی کاکل کشتی فرنگی می چرخید، او با تمام وجود در اختیار یعسوب جوان صالح و شاگردانش بود تا وقفه ای در برنامه تمرینات آنها به وجود نیاید.

وجب به وجب ورزشگاه تختی اردبیل یا تدآور خاطراتی شیرین از مرد بزرگی است که دیگر در میان ما نیست. اژدر عمی در تاریخ ورزش اردبیل نقطه عطفی است که تا ورزش اردبیل حیات دارد و سر پا می باشد نام او همراه با آن خواهد بود.

در پایان لازم است یادآوری کنم که امید است این نوشته ما در تجلیل از یکی از خادمان ورزش استان به قبا ی برخی ها بر نخورد و به کمک دوستانشان در فضای مجازی فریاد بر نیاورند که چرا در تجلیل یک خدمتگزار قلم را بر روی کاغذ چرخانده ایم و آن گاه در کمال پررویی ، ادعای بزرگی هم بکنند.

تجلیل از خدمتگزاران ورزش و معرفی خائنین و فرصت طلبان را وظیفه خود می دانیم هر چند که برخی آدم های مغرور و هرهری مسلک از این کار ناراحت شوند و هذیان بگویند.